

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

عرض کردیم که یکی از مباحثی که در فرمایشات امام (رضوان الله تعالی علیه) وجود دارد که شاید در اصل بحث هم دخالت داشته باشد و نتیجه‌ی بحث در باب اجزاء را تا حدی روشن می‌کند، این بحث است که آیا واقعاً سه نوع امر داریم یا نه؟ تا بعد ببینیم که هر مأموریه‌ی را که اتیان کردیم، آیا مجزی از امر دیگر هست یا نه؟ مثلاً اگر مأموریه به امر اضطراری یا مأموریه به امر ظاهری را اتیان کردیم، آیا این مجزی از مأموریه به امر واقعی هست یا نه؟

در واقع این متفرع بر این است که سه نوع امر و مأموریه داشته باشیم، تا بعداً این بحث را مطرح کنیم، که عرض کردیم نظر شریف امام (ره) این است که سه نوع امر نداریم و آنچه که در باب صلات وجود دارد، این است که امر به یک عنوان تعلق پیدا کرده، که آن هم طبیعت صلات است، لکن مصادیق این طبیعت مختلف می‌شود، یعنی مصداق در حال اختیارش با مصداق در حال اضطرارش مختلف و متعدد است، و الا این چنین نیست که یک امر به عنوان صلات اختیاری و یک امر به عنوان صلات اضطراری داشته باشیم.

اگر در جایی بخواهیم دو امر و تکلیف داشته باشیم، شرط تعدد امر و تکلیف این است که متعلق‌ها و عناوین مختلف باشد، تا بگوییم که: این امری که به این عنوان تعلق پیدا کرده، با امری که به عنوان دیگر تعلق پیدا کرده مختلف است.

پس ملاک برای تعدد امر تعدد عنوان و متعلق است، اما اگر عنوان یا متعلق متعدد نباشد، در این صورت امر هم متعدد نیست.

امام (رضوان الله علیه) فرموده‌اند: وقتی باب صلات را ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که امری که در آنجا برای صلات آمده، به طبیعت صلات تعلق پیدا کرده است، «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» و «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ» می‌گوید: این چنین نیست که بگوییم: صلات اختیاری یک امر دارد و صلات اضطراری امر دیگر و صلات ظاهری هم امر سومی داشته باشد.

در جلسه گذشته عرض کردیم که امام (ره) فرموده‌اند: ریشه‌ی این تقسیم در کلمات اصولیین از اینجا آمده که افرادی مثل مرحوم آخوند (ره) و عده‌ای دیگر قائل به جعل استقلالی برای اجزاء و شرایط نیستند و قائل‌اند به اینکه اجزاء و شرایط قابلیت جعل استقلالی را ندارد.

طهارت یکی از شرایط نماز است و مرحوم آخوند (ره) و عده‌ای گفته‌اند: شارع نمی‌تواند نسبت به این شرط، یک امر و جعل مستقل قرار دهد، بلکه باید این شرط را در ضمن امر به صلات بیان کند، لذا باید یک بار به صلات با طهارت مائیه امر کند که این شرط طهارت مائیه را در ضمن مشروط و مأموریه ذکر کند و اگر بخواهد طهارت تراویه را ذکر کند، باید به صلات با

طهارت ترابیه امر کند و نمی‌تواند نسبت به طهارت ترابیه، به صورت مستقل امر و جعلی داشته باشد.

در نتیجه یک امر واقعی اولی به صلات با طهارت مائیه تعلق پیدا کرده و یک امر واقعی اضطراری هم به صلات با طهارت ترابیه تعلق پیدا می‌کند، که دو امر و دو متعلقند، و لذا امر واقعی و اضطراری درست می‌شود.

اما امام(ره) و عده‌ی دیگری قائل‌اند که اجزاء و شرایط قابلیت جعل استقلالی را دارد، یعنی شارع جدای از نفس صلات، می‌تواند بفرماید که: وضو شرط و طهارت شرط برای صلات است، که وقتی قابلیت جعل استقلالی داشت، دیگر آن نتیجه‌ای که مرحوم آخوند(ره) گرفته را نمی‌گیریم.

استثنایی در کلام امام(ره)

مرحوم امام(ره) در آخر فرمایششان یک مورد را استثنا کرده و فرموده‌اند: بلکه در کفاره‌ی افطار عمدی، ظهار و در کفاره‌ی قتل خطئی و در بعضی از ابواب کفارات امر واقعی و ظاهری و اضطراری داریم.

خداوند تعالی در آیه دوم سوره‌ی مجادله می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ» آنهایی که با زن‌هایشان ظهار می‌کنند، «ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا» و بعد پشیمان می‌شوند، کفاره‌ی ظهار چیست؟ «فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعْظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» باید یک بنده آزاد کنند، قبل از اینکه تماسی با یکدیگر پیدا کنند، پس امر واقعی اولی روی تحریر رقبه آمده و بعد می‌فرماید: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا» اگر کسی رقبه پیدا نکرد، دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد و باز در مرحله‌ی سوم می‌فرماید: «فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا» کسی که نمی‌تواند دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد، 60 مسکین را طعام دهد.

دقت بفرمایید که در اینجا امر واقعی اولی به عنوان کفاره بر تحریر رقبه هست و امر واقعی اضطراری عبارت از صیام شهرین متتابعین است و تکلیف اضطراری سوم عبارت از اطعام مسکین هست، که امام(ره) فرموده: در اینجا دیگر حرفی نمی‌زنیم و یک امر واقعی، یعنی یک تکلیف واقعی اولی داریم و یک تکلیف اضطراری دوم و حتی یک تکلیف اضطراری سوم داریم.

اما در باب صلات فرموده‌اند: ما منکریم و در آنجا اصلاً قبول نداریم که بگوییم: یک تکلیف واقعی اولی به نام صلات با طهارت مائیه داریم و یک تکلیف واقعی اضطراری به نام صلات با طهارت ترابیه.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) آیه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» راجع به جعل استقلالی خود شرط است و نه در مورد صلات، می‌فرماید: تیمم شرط است و نمی‌گوید: «فصلوا عن تیمم»، بلکه عنوان جعل استقلاً روی خود تیمم آمده است.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) بلکه باید ببینیم که تکلیف در باب نماز چیست؟ در باب نماز تکلیف صلات است، «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ» شرط برای نماز است، که مرحوم آخوند(ره) و دیگران که گفته‌اند: اجزاء و شرایط قابلیت جعل استقلالی را ندارد، می‌گویند که: باید در ظواهر این ادله تصرف کنیم، اما امام(ره) و عده‌ی دیگری که گفته‌اند: قابلیت جعل دارد، می‌گویند که: ظواهر این ادله را به حال خودش باقی می‌گذاریم و این ادله مربوط به خود مأموریه و صلات نیست، بلکه اینها مربوط به اجزاء و شرایط هستند.

مدعای امام(ره) این است که فرموده: در باب صلات مخصوصاً با آن مقدمه‌ای که عرض کردیم که اگر از شما سؤال کنند که از کجا باید بفهمیم که در جایی دو تکلیف وجود دارد یا یک تکلیف؟ باید بگوییم که: اگر حکم و امر به عناوین متعدد تعلق پیدا کرده، به تعداد عناوین، تکلیف هم متعدد می‌شود، اما اگر حکم به یک عنوان تعلق پیدا کرده است، در اینجا تکلیف، تکلیف واحدی است.

ملاک برای تعدد و وحدت تکلیف همین است که عرض کردیم، آن وقت طبق این مقدمه امام(ره) فرموده: در باب صلات تکلیف به طبیعت صلات تعلق پیدا کرده، لکن یک مصداق این طبیعت در حال اختیار و ایستاده است و یک مصداقش هم در حال اضطراب و نشسته است و این اختلاف در مصداق مکرر موضوع و متعلق نمی‌شود و سبب نمی‌شود که بگوییم: ده متعلق و موضوع داریم.

به بیان خیلی ساده مثلاً کسی که ایستاده نماز می‌خواند، ممکن است یک پا یا یک دست نداشته باشد، دو نفر داریم که یکی یک دست ندارد و دیگری یک پا ندارد و هر دو هم می‌توانند ایستاده نماز بخوانند، حال در اینجا نمی‌گویند که: دو تکلیف وجود دارد، که یک تکلیف مال این آدم و تکلیف دیگر مال این آدم دیگر است، بلکه یک تکلیف وجود دارد، که آن هم به طبیعت صلات تعلق پیدا کرده است، لکن مصداقش مختلف است، که یک مصداقش مربوط به این شخص مضطر است، که خودش می‌تواند بیاورد و مصداقش دیگرش مربوط به شخص مضطر دیگر است.

نقد و بررسی کلام امام(ره)

راجع به فرمایش امام(ره) چند مطلب وجود دارد؛ یک مطلب این است که آیا اساساً این ریشه‌ای را که برای این بحث عنوان کرده‌اند، درست است یا نه؟ آیا تمام کسانی که گفته‌اند: در شریعت یک امر واقعی اولی و یک امر واقعی اضطراری و یک امر ظاهری داریم، در بحث استصحاب همین مبنا را دارند که اجزاء و شرایط قابلیت جعل استقلالی را ندارد یا نه؟

ظاهراً این طور نیست، یعنی کسانی هستند که در استصحاب قائل‌اند به اینکه امر اولی واقعی و اضطراری و ظاهری داریم، اما مع ذلك قائل‌اند به اینکه اجزاء و شرایط قابلیت جعل استقلالی را ندارد. پس معلوم می‌شود که این تقسیم ارتباطی به بحث استقلال و عدم استقلال جعل برای اجزاء و شرایط ندارد و ریشه‌ی دیگری دارد.

همین که یک عده‌ای که قائل‌اند به اینکه قابلیت جعل استقلالی را دارد، مع ذلك این تقسیم‌بندی را قبول کرده‌اند، پس اینطور نیست که بگوییم: هر کسی که بگوید: قابلیت جعل استقلالی ندارد، باید این تقسیم‌بندی را بکند و هر کسی که بگوید: قابلیت جعل استقلالی را دارد، این تقسیم‌بندی را باید منکر باشد.

شاهدش هم همین استثنایی است که امام(ره) بیان کرده، که در باب کفاره‌ی ظهار فرموده: از لسان ادله به دست می‌آوریم که امر اولی‌اش تحریر رقبه هست و امر دومی‌اش دو ماه روزه گرفتن است، که امر اضطراری می‌شود.

تحقیق در ریشه این تقسیم‌بندی

از اینجا برای اینکه ریشه‌ی بحث را روشن کنیم، یک مقداری باید بحث را فنی‌تر و دقیق‌تر بیان کنیم، تا ببینیم که بالأخره ریشه‌ی این بحث را پیدا می‌کنیم یا نه؟ این مقداری که در اصول و در فقه عامه تتبع کردیم، این تقسیم‌بندی در آن وجود ندارد و این

چیزی است که عمدتاً در اصول خاصه و در فقه علمای امامیه رضوان الله تعالی علیهم اجمعین مطرح شده است و باید دنبال کنیم که این ریشه‌ی مسئله چیست؟ لذا در اینجا باید یک بحث ثبوتی و یک بحث اثباتی داشته باشیم، تا این مسئله روشن شود.

بحث ثبوتی

در بحث ثبوتی در شریعت می‌بینیم که یک صلات ایستاده داریم و یک صلات نشسته و یک صلات ارتجاعي و خوابیده و حتی صلات در حال حرکت هم داریم، همچنین صلات سه رکعتی داریم و چهار رکعتی یا صلات در حال غرق شدن داریم، صلات مسافر داریم و صلات حاضر، صلات با تیمم داریم و صلات با غسل و صلات با وضوء، که اینها نمازهای مختلفی است که در شریعت داریم.

از نظر ثبوتی باید برگردیم و یک نظری به بحث صحیح و اعم داشته باشیم، که بحث مفصلش را بحمد الله تمام کردیم، در آنجا اگر یادتان باشد یک نزاعی وجود داشت که آیا بین مصادیق صلات قدر جامع وجود دارد یا نه؟ مثل اینکه کسانی که قائل می‌شوند به اینکه لفظ صلات برای صحیح وضع شده، باید قدر جامع درست کنند و کسانی هم که می‌گویند: صلات برای اعم وضع شده، باید قدر جامع درست کنند.

اگر گفتیم: بین این مصادیق قدر جامع وجود دارد و همچنین بگوییم: تمام مطلوب و تمام غرض مولا با آن قدر جامع محقق می‌شود، که بگوییم نماز ایستاده، نشسته، خوابیده، نماز در دریا، نماز حاضر و مسافر همه یک قدرجامعی دارد، که تمام مطلوب و غرض خداوند با آن قدر جامع محقق می‌شود، یعنی اینکه در نماز دو رکعتی همان قدر جامع هست، که در چهار رکعتی هم هست و در نماز در حال غرق شدن هست، ولو اینکه آن حرکات و سکانات در نماز چهار رکعتی در نماز غرق شدن وجود ندارد.

اگر این دو مبنا را قائل شدیم؛ یک اینکه قائل شدیم به اینکه قدر جامع وجود دارد و دوم اینکه قائل شدیم قدر جامع تمام مطلوب و غرض برای مولا است، طبق این بیان فرمایش امام(ره) ثبوتاً درست می‌شود، یعنی از نظر ثبوتی، امر به یک طبیعت کلیه و به یک قدر جامع تعلق پیدا کرده، که این قدر جامع هم تمام مراد است و این اختلافات، یعنی نماز ایستاده و نشسته و خوابیده، نماز با وضوء و تیمم و ... سبب تعدد مصادیق می‌شود و ربطی به آن قدر جامع و غرض مولا ندارد.

اما اگر کسی گفت که: نه بنا بر قول صحیحی‌ها قدر جامع داریم و نه بنا بر قول اعمی‌ها، یا اگر گفت: قدر جامع هم داریم، اما در مطلب دوم خدشه کرده و گفت: قدر جامع تمام غرض مولا نیست، بلکه مولا در نماز ایستاده یک غرضی دارد که آن غرض در نماز نشسته حاصل نمی‌شود و ...، بلکه هر مصداقی یک جهت و غرض خاصی را دنبال می‌کند، سؤال این است که آیا در این فرض مولا می‌تواند امر واحد داشته باشد؟ در این فرضی که هر کدام یک از اینها غرض جدایی از یکدیگر دارد، سؤال این است که آیا مولا می‌تواند امر واحد داشته باشد یا نه؟ البته که نمی‌شود امر واحد داشته باشد، امر واحد در جایی است که با آن متعلق واحد غرض مولا محقق شود، مثل اینکه مولا یک غرضی از نماز دارد، که این غرض در روزه نیست و یک غرضی از روزه دارد، که این غرض در حج نیست.

در جایی که اغراض متعدد است، امر واحد از مولا عقلاً ممتنع است، که مولا با یک امر واحد، افعالی را بخواهد که این افعال اغراض متعدده دارند، پس باید امرهای متعدد بکند، همان طور که در باب کفاره ظهار آمده بود، که مولا اول فرموده: تحریر رقبه و اگر نشد 2 ماه پشت سر هم روزه گرفتن و اگر نشد 60 مسکین را اطعام کند، که در اینجا هم همین طور است.

پس از نظر ثبوتی در جایی که اغراض متعدد است، افعال متعدد باید اوامر متعدد داشته باشد، که هر امری خودش به یک عنوانی تعلق پیدا کند و متعلق مستقلاً داشته باشد.

پس از نظر ثبوتی گفتیم که: اگر قدر جامع باشد و این قدر جامع هم تمام غرض باشد، در این صورت امر واحد ممکن است، اما اگر یکی از این دو مطلب را انکار کردیم، یعنی گفتیم که: قدر جامع ندارد و یا اگر قدر جامع دارد، تمام غرض نیست، که در این صورت قدر جامع برای این است که مولا بخواهد یک اسم به نحو مشترک روی همه‌ی اینها قرار دهد، و الا اغراض مختلف و متعدد است، در این صورت هیچ راهی برای وحدت امر وجود ندارد و حتماً باید اوامر متعدده باشد.

بحث اثباتی

در مقام اثبات باید ببینیم که آیا آن غرضی که در نماز با وضوء هست، غیر از این اغراضی است که در نماز با تیمم است یا نه؟ آیا آن اغراضی که در نماز ایستاده هست غیر از اغراضی است که در نماز نشسته وجود دارد یا نه؟ اگر گفتیم که: در مقام اثبات اغراض متعدد است، وقتی که اغراض متعدد شد، اوامر متعدد می‌شود، که هر امری به یک فعلی تعلق پیدا می‌کند و هر فعلی یک غرضی را دنبال می‌کند.

اما اگر گفتیم که: از لسان ادله در مقام اثبات استفاده می‌کنیم که آن غرضی که در صلات با وضوء هست، عین همان غرضی است که در صلات با تیمم است و آن غرضی که در صلات ایستاده است، عین غرضی است که در صلات نشسته است، در این صورت امر واحد داریم.

اما حال کدام یک از اینهاست؟ این مقداری نیاز به بررسی ادله‌ی صلات دارد، که باید در ادله‌ی صلات ببینیم که آیا واقعاً از ادله‌ی صلات یک چنین استفاده‌ای می‌کنیم یا نه؟

در باب صوم و صلات می‌بینیم که در صوم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، اما در باب صلات می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»، لذا در باب صوم و صلات این اختلاف اغراض خیلی روشن است، اما آیا در باب مصادیق صلات هم این اختلاف اغراض وجود دارد یا نه؟ این نیاز به تتبع و تکمیلی دارد که ان شاء الله فردا نتیجه‌اش را عرض می‌کنیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ